

## گلستان

## راست یا دروغ

پادشاهی راشنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن، که گفته اند هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید. وقت ضرورت چو نماد گریز/ دست بگیرد سر شمشیر تیز. ملک پرسید چه می گوید؟ یکی از وزرای نیک محضر گفت: ای خداوند همی گوید: والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس. ملک را رحمت آمد و از سر خون او درگذشت. وزیر دیگر که صدا بود گفت: ابنای جنس ما را نشاید در حضرت پادشاهان جز به راستی سخن گفتن. این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت. ملک روی از این سخن در هم آورد و گفت: آن دروغ وی پسندیده تر آمد مرزین راست که تو گفتی که به جای آن در مصلحتی بود و بنای این بر خبثی، و خردمندان گفته اند: دروغی مصلحت آمیز به که راستی فتنه انگیز. هر که شاه آن کند که او گوید / حیف باشد که جز نکو گوید

## مغتنم شمردن عمر

یکی از ملوک خراسان محمود سبکتگین را به خواب چنان دید که جمله وجود او ریخته بود و خاک شده مگر چشمان او که همچنان در چشم خانه همی گردید و نظر می کرد. سایر حکما از تاویل این فرو ماندند مگر درویشی که به جای آورد و گفت: هنوز نگران است که ملکش با دگران است. بس نامور به زیر زمین دفن کرده اند / کز هستیش به روی زمین بر نشان نماند / وان پیر لاشه را که سپردند زیر گل / خاکش چنان بخورد کزواستخوان نماند / زنده ست نام فرخ نوشیروان به خیر / گر چه بسی گذشت که نوشیروان نماند / خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر / زان پیشتر که بانگ برآید: فلان نماند

## قدر دانستن عافیت

پادشاهی با غلامی در کشتی نشست و غلام، دیگر دریا را ندیده بود و محنت کشتی نیازموده گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد. چندان که ملاحظت کردند آرام نمی گرفت و عیش ملک از او منغص بود. چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود، ملک را گفت: اگر فرمان دهی من او را به طریقی خاموش گردانم. گفت: غایت لطف و کرم باشد. بفرمود تا غلام به دریا انداختند. باری چند غوطه خورد، مویش گرفتند و پیش کشتی آوردند. به دو دست در سکان کشتی آویخت. چون برآمد به گوشه ای بنشست و قرار یافت. ملک را عجب آمد. پرسید: در این چه حکمت بود؟ گفت: از اول محنت غرقه شدن نجشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی دانست. همچنین قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. ای سیر تو را نان جوین خوش ننماید / معشوق من است آن که به نزدیک تو زشت است / حوران بهشتی را دوزخ بود اعراف / از دوزخیان پرس که اعراف بهشت است / فرق است میان آن که یارش در بر / تا آن که دو چشم انتظارش بر در

## ترسیدن از ترس

هرمز را گفتند وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت خطایی معلوم نکردم ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بی کران است و بر عهد من اعتماد کلی ندارند. ترسیدم از بیم گزند خویش آهنگ هلاک من کنند، پس قول حکما را کار بستم که گفته اند: از آن کز تو ترسد بترس ای حکیم / وگر با چنود بر آیی به جنگ / از آن ما بر پای راعی زند / که ترسد سرش را بکوبد به سنگ / نبینی که چون گربه عاجز شود / بر آرد به چنگال چشم پلنگ

## بشارت به وراثت

یکی از ملوک عرب زنجور بود در حالت پیری و امید زندگانی قطع کرده که سواری از در درآمد و بشارت داد که فلان قلعه را به دولت خداوند گشادیم و دشمنان اسیر آمدند و سپاه و رعیت آن طرف به جملگی مطیع فرمان گشتند. ملک نفسی سرد برآورد و گفت این مژده مرانیست دشمنانم راست، یعنی وارثان مملکت. بدین امید به سر شد دروغ عمر عزیز / که آنچه در دلم است از درم فراز آید / امید بسته برآمد ولی چه فایده زانک / امید نیست که عمر گذشته باز آید / کوس رحلت بکوفت دست اجل / ای دو چشمم وداع سر بکنید / ای کف دست و ساعد و بازو / همه تودیع یکدگر بکنید / بر من افتاده دشمن کام / آخرای دوستان گداز بکنید / روزگارم بشد بنادانی / من نکردم شما حذر بکنید

## تقویم تاریخ

## مرگ شهیرترین شاعر روس در دوئل

۱۸۵ سال پیش، برابر ۲۹ ژانویه ۱۸۳۷ میلادی، الکساندر پوشکین، نویسنده و شاعر شهیر روس در ۳۷ سالگی درگذشت. او نخستین اشعار خود را در ۱۵ سالگی منتشر کرد. پوشکین را بنیانگذار ادبیات روسی مدرن لقب داده اند و برخی او را بزرگترین شاعر زبان روسی می دانند. از میان آثار منشور پوشکین می توان به «شوالیه خسیس»، «تابوت ساز»، «ضربه آتشین» و... اشاره کرد. او سال ۱۸۳۷ یک افسر فرانسوی به نام جرج دانتس را به دوئل دعوت کرد. در این دوئل پوشکین از ناحیه شکم آسیب دید و چند روز بعد درگذشت.

## ثبت نخستین خودرو بنزینی توسط بنز

۱۳۶ سال پیش، برابر ۲۹ ژانویه ۱۸۸۶ میلادی، کارل بنز، مهندس، طراح آلمانی و بنیانگذار کمپانی مرسدس بنز، طرح نخستین خودرو بنزینی سوز تاریخ را در دفتر ثبت اختراعات به ثبت رساند. او سوم جولای همین سال با خودروی سه چرخ و بنزین سوز خود در سطح شهر به حرکت درآمد و اختراع خود را در معرض دید عموم قرار داد. دو سال بعد، برتا بنز همسر کارل بنز، نخستین سفر بلند خودرویی را با یک خودرو سه چرخ ساخت بنز انجام داد. در این سفر او برای نشان دادن قابلیت های اختراع همسرش، فاصله ای ۱۰۶ کیلومتری را برای بازگرداندن فرزندانش به خانه طی کرد.

## دومین فرد مسلمان برنده جایزه نوبل

۹۶ سال پیش، برابر ۲۹ ژانویه ۱۹۲۶ میلادی، محمد عبدالسلام، دانشمند و فیزیکدان مشهور پاکستانی در پنجاب به دنیا آمد. عبدالسلام در سال ۱۹۷۹ میلادی به خاطر ارائه یک فرمول بندی واحد برای نیروی الکترومغناطیس و نیروی هسته ای ضعیف که «برهمکنش الکتروضعیف» نام گرفت، موفق به دریافت جایزه نوبل فیزیک شد. او نخستین پاکستانی و دومین مسلمان پس از انور سادات بود که برنده جایزه نوبل شد. پژوهش های عبدالسلام در تعریف نظریه فیزیک ذرات بسیار مهم هستند و یکی از کسانی بود که نظریه نوترینو (ذره بنیادی خنثی) را گسترش داد.

## بدمن برجسته و توانای سینمای ایران

۵ سال پیش، برابر ۹ بهمن ۱۳۹۵ خورشیدی، کاظم افروندینا، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر ایران در ۷۱ سالگی درگذشت. افروندینا در سینمای پس از انقلاب به یکی از شمایل های خبثت که از آن در فیلم ها با عنوان «بدمن» یاد می شود تبدیل شد. فیلم هایی که افروندینا در آنها نقش قاجا قچی، ساواکی، قاتل و... را بازی کرده از شمار خارج است، کما این که در همه شان نیز درخشید. همین سابقه حرفه ای باعث شد بهرام بیضایی، از اساتید مسلم سینمای ایران ایفای نقش افروندی را در فیلم «سگ کشی» به افروندینا بسپارد تا او یک بار دیگر عیار هنر خود را در فیلمی مهم به نمایش بگذارد.

## معا

## پیر جبهه های نبرد، اما جوان، خلی جوان

سال کم، از معدود فرماندهان ایرانی بود که ژنرال های بعثی به اسم می شناختندش و از او در هراس بودند. به گواه تاریخ نقش حسن باقری در موفقیت نیروهای ایران در عملیات هایی چون رمضان، فتح المبین و علی الخصوص بیت المقدس (آزادسازی خرمشهر) کاملاً غیر قابل انکار است. باقری که در سابقه اش تحصیل در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران و همچنین فعالیت در حرفه خبرنگاری قابل مشاهده است، بسیار جوان بود که اسلحه به دست گرفت و همچنان جوان بود که جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه شد و هنوز جوان بود که به شهادت رسید. از او داستان ها و خاطره هایی که بعضاً به افسانه پهلومی زند فراوان نقل شده است، اما یکی از معروفترین ها مربوط به ماجرای ژنرالی عراقی است که باقری آسیب رساندن به او را ممنوع کرده بود. داستان به این شکل ذکر شده است که در یکی از محورهای عملیاتی، نیروهای ایرانی نقشه کشیده

«حسن واقعا یک رهبر بود. تعبیرم این است که او بهشتی جنگ بود. یعنی همان نقشی که مرحوم بهشتی برای انقلاب و امام داشت، حسن باقری همان نقش را برای جنگ و جبهه داشت. همه فرماندهان قدیمی جنگ نظرشان این است که اگر حسن زنده می ماند، در وضع جنگ قطعاً تأثیر داشت.» ۳۹ سال پیش در چنین روزی، برابر ۹ بهمن ۱۳۶۱ خورشیدی، حسن باقری، یکی از جوان ترین فرماندهان دفاع مقدس و بنیانگذار اطلاعات عملیات در جنگ، هنگامی که ۲۶ سال بیشتر نداشت در منطقه عملیاتی جنوب هدف اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و به شهادت رسید. در شناخت قدر و قیمت این فرمانده جوان، تعبیر سپهبد شهید قاسم سلیمانی از او - که در ابتدای این متن آمد - شاید به تنهایی کافی باشد، مخصوصاً آنجا که تأکید می کند «اگر زنده می ماند، در وضع جنگ تأثیر داشت...». باقری به رغم سن و



پیکر حسن باقری، لحتظاتی پس از شهادت

## فرجام

## آغاز یک صدای خاص

۷۱ سال پیش، برابر ۹ بهمن ۱۳۲۹ خورشیدی، فریدون فروغی، از صداها ی خاص موسیقی بیاب ایران در محله سلسبیل تهران متولد شد. فروغی هنر موسیقی را بدین داشتن استاد و با توجه به علاقه ای که به موسیقی راک و خصوصاً آثار «ری چارلز» (نوازنده و خواننده نابینا و مشهور سبک های جاز و بلوز) داشت، با تمرین آموخت. از فروغی تا پیش از انقلاب سه آلبوم با نام های «باران»، «نیاز» و «سال قحطی» منتشر شده است. او پس از پیروزی انقلاب نیز کنسرت هایی در جزیره کیش برگزار کرد و ترانه معروف «یار دبستانی من» با صدای او در فیلم «فریاد تاتورو» محصول ۱۳۶۰ و به کارگردانی منصور تهرانی، شنیده شد. ورود صدای فریدون فروغی به سینما برای نخستین بار با فیلم های «آدمک» محصول ۱۳۵۰ و «باران» محصول ۱۳۵۳ به سرانجام رسید. اما بی شک شهرت صدای او پس از نمایش فیلم «تنگنا» ساخته امیر نادری (محصول ۱۳۵۲) و پخش ترانه «زندون دل» در این فیلم عالمگیر شد. «دختری به نام تندر» محصول ۱۳۷۹ و با موسیقی فردین خلعتبری آخرین فیلم سینمایی است که فروغی برای تیتراژ پایانی آن ترانه خوانده است. فریدون فروغی روز جمعه، ۱۳ مهر ماه ۱۳۸۰ در منزلش در تهران پارس درگذشت.

## شرح بی نهایت

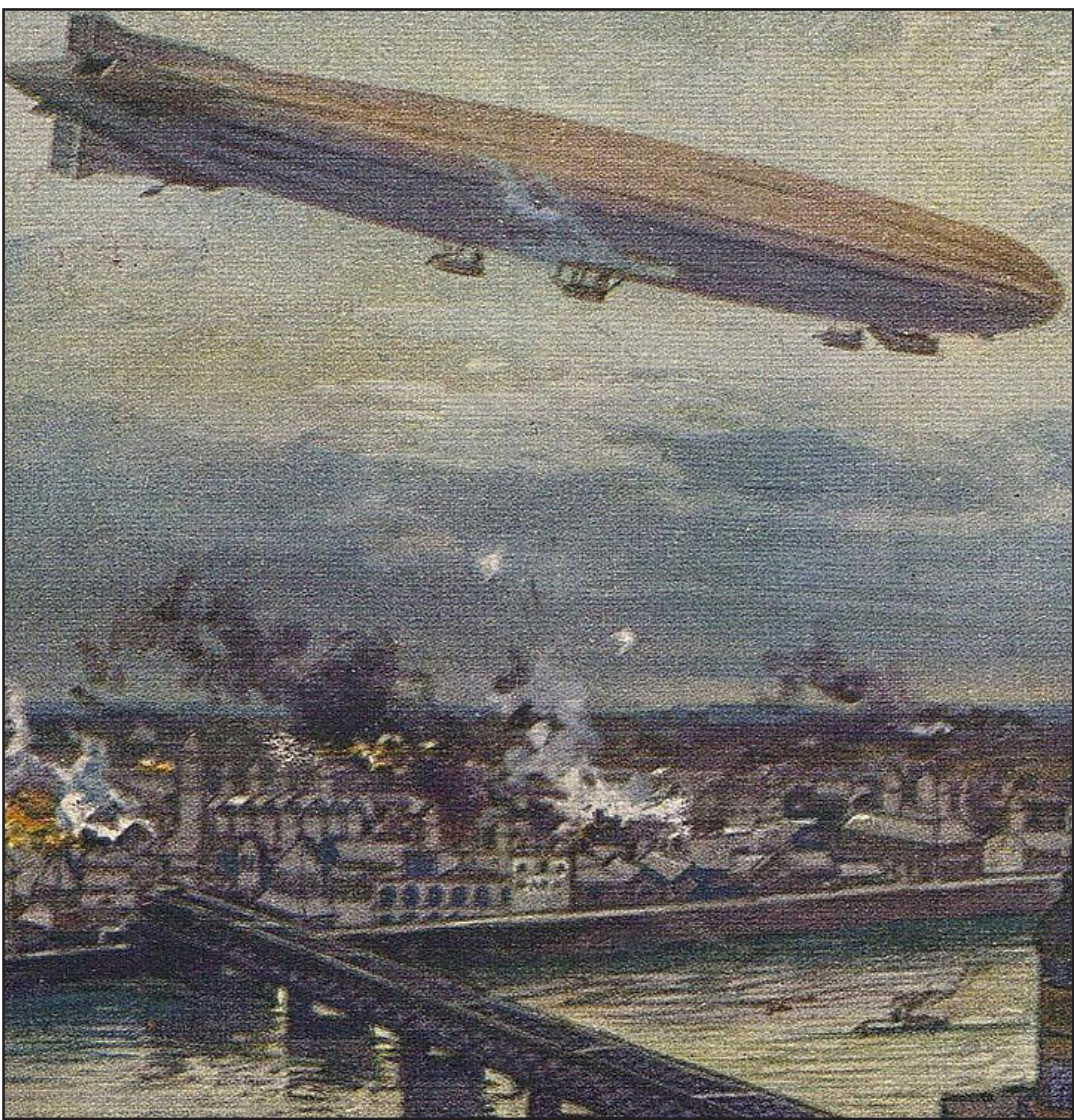
## جام عشق

جرعه ای می نخورده از دستش/ بی خودم کرد ترگس مستش هر که از جام عشق او می خورد/ توبه گر سنگ بود بشکستش به کسی مبتلا شدم که نرسد/ مرغ از دام و ماهی از شستش به همه جای می رود/ حکمش/ به همه کس همی رسد دستش از عنایت مپرس کان معنی/ نیست در حق بنده گر هستش هرکه عاشق نشد، به دامن دوست/ نرسد دست همت پستش سیف از مشک بوی دوست شنید/ بر گریبان خویشتن بستش سیف فرغانی

## اشک خونین

کعبه وصل تو پناه من است/ طاق ابروت قبله گاه من است چشم فنان مست خونریز/ خود ز بیداد خود پناه من است خود ره لشکر غمت دادم/ غارت خان و مان گناه من است به نگاهی اگر خراب شدم/ چشم مست تو منم / منم خواه من است شد دلم خون ز روی گلگونت/ اشک خونین من گواه من است روی و راه دگر نمی دایم/ لطف و قهر روی و راه من است فیض روز تو هم تیره از آن است/ بخت من هم سیه ز آه من است فیض کاشانی

## فوکوس



## نگاره ای از بمباران شهر و روش توسط یک زپلین آلمانی

۱۰۶ سال پیش، برابر ۲۹ ژانویه ۱۹۱۶ میلادی، زپلین های آلمانی برای نخستین بار در جنگ بین الملل اول پاریس پایتخت فرانسه را بمباران کردند. پس از موفقیت این غول های پرنده در عملیات پاریس، بمباران دیگر پایتخت های اروپایی نیز در دستور کار نیروی هوایی آلمان قرار گرفت. زپلین نوعی کشتی هوایی بود که مخزن آن با گاز هیدروژن انباشته شده و مثل بالن به پرواز در می آمد، اما بر خلاف بالن به راحتی می توانست در آسمان مانور بدهد. زپلین از دستاوردهای مهندس آلمانی فردیناند زپلین بود که در ابتدا برای حمل مسافر و عکس برداری هوایی مورد استفاده قرار گرفت، اما وقوع جنگ باعث شد دیگر قابلیت های این وسیله نیز مورد توجه قرار بگیرد. هرچند زپلین ها از توانایی بیشتری برای حمل بمب نسبت به هواپیما برخوردار بودند اما از طرفی به دلیل قدرت مانور پایین، هدفی سهیل و آسان برای هواپیماها و دفاع هوایی محسوب می شدند. همین موجب شد بعد از چند نوبت هدف قرار گرفتن و سقوط زپلین ها، آلمانی ها به این نتیجه برسند که ضرر بهره گیری از این وسیله بیشتر از سود آن است و نهایتاً استفاده از آن در جنگ را پایان دادند.

